



## بیکاری، فارغ التحصیلان شوق به مطالعه را کم می کند

یک استاد دانشگاه تهران گفت: افرادی که تخصص ندارند یا در حوزه دیگری تخصص دارند پستها را اشغال کرده اند. این مسئله موجب نارضایتی و ناامیدی قشر تحصیلکرده شده است. بنابراین خود به خود گرایش به مطالعه و شوق به دانستن هم کم می شود.

یک استاد دانشگاه تهران گفت: افرادی که تخصص ندارند یا در حوزه دیگری تخصص دارند پستها را اشغال کرده اند. این مسئله موجب نارضایتی و ناامیدی قشر تحصیلکرده شده است. بنابراین خود به خود گرایش به مطالعه و شوق به دانستن هم کم می شود.

دکتر بهرام امیر احمدیان، استاد دانشگاه تهران در مورد اینکه چرا با وجود سفارش اکید دین اسلام بر دانش و دانستن، مطالعه کردن را به صورت یک فرهنگ در نیاورده ایم و متوسط مطالعه مردم در جامعه ما کم است، گفت: نداشتن فرهنگ مطالعه ما ایرانی ها ریشه های تاریخی دارد. اینکه در گذشته دانش در اختیار گروهی خاص بود و سیستم ارباب - رعیتی برقرار بوده و مردم به طور طبیعی در اقتصاد روستایی کار می کردند و همگی به عنوان نیروی کار مشغول بودند و بنابراین برای دانش اندوزی فرصتی پیدا نمی کردند و یا انگیزه ای برای آن نداشتند. آموزشهایی که در آن دوران بوده کارا و فراگیر و کارآمد نبوده و به همین جهت علم در حوزه محدودی باقی ماند.

وی افزود: اما با توسعه مدارس جدید و نظام آموزشی مدرن انتظار می رفت سطح سواد مردم بالا برود. اکنون در ایران بیش از 9 میلیون نفر بیسواد داریم و این افراد از سن بالای 6 سال هستند نه همه جمعیت. همچنین با وجودی که سطح سواد نسبت به گذشته بالا رفته اما میزان مطالعه به نسبت جمعیت پایین مانده است. الان در ایران بیش از 5/17 میلیون خانوار داریم که هر خانوار 4/4 نفر می باشند اما تیراژ روزنامه های ما یک میلیون هم نمی رسد یعنی برای هر خانوار اگر یک روزنامه هم می دادیم بایستی روزنامه های ما 17 میلیون تیراژ می داشتند.

استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: درست است که فضای مجازی و ماهواره ها و تلویزیونهای محلی و ملی اوقات فراغت مردم را بیشتر به خود اختصاص داده اند ولی باید گفت نوع پیشرفته تر و وسایل بیشتر و بهتر این ابزارهای ارتباطی در غرب موجود است اما مشاهده می کنیم که مردم آنجا حتی در سفرهای درون شهری در مترو و اتوبوس و تاکسی به مطالعه می پردازند و از میزان مطالعه آنها کاسته نشده است. شاید به سبب اینکه در جامعه ما شایسته سالاری نیست. به همین سبب مطالعه و دانش اندوزی جدی گرفته نمی شود. یا اینکه افرادی که در دانشگاه ها تخصص یافته اند پس از فارغ التحصیلی به تخصص خود گماشته نمی شوند و افرادی که تخصص ندارند یا در حوزه دیگری تخصص دارند آن پست را اشغال کرده اند. این مسئله موجب نارضایتی و ناامیدی قشر تحصیلکرده شده است. بنابراین خود به خود گرایش به مطالعه و شوق به دانستن، هم کم می شود.

این محقق و پژوهشگر علوم سیاسی افزود: به اینها باید وضعیت اقتصادی مردم را هم اضافه کرد. وقتی افراد چند شیفت کار می کنند و اوقات فراغت کمتری دارند و امکانات مطالعه برای آنها فراهم نیست؛ کتاب گران است یا کتابخانه های عمومی در دسترس آنها نیست یا کتابخانه ها نواقصی دارند و از کتابداران زبده و با تجربه برخوردار نیستند. از این جهت در خدمات رسانی شان ضعیف هستند؛ اینها همه دست به دست هم می دهند تا مطالعه کاهش یابد.

این نویسنده و محقق ادامه داد: حذف کردن زنگ انشاء از برنامه درسی آموزش و پرورش زنگ خطر جدی برای فرهنگ مطالعه است یعنی دانش آموزان مطالعه ندارند نمی توانند انشاء بنویسند و انشاء ها ضعیف شده چرا که مطالعه ندارند. مطالعه فقط با چاپ کتاب و برگزاری نمایشگاه درست نمی شود. نظرسنجی و آمار و ارقام درستی از میزان مطالعه مردم نداریم و آمارهایی که گرفته می شوند نادرست میزان مطالعه را بالا نشان می دهند، یعنی ما را از واقعیتها دور می کنند.

این محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی در مورد اینکه راهکار رشد فرهنگ مطالعه با توجه به شرایط کنونی چیست هم یادآورد: هر کاری که می شود تالی تلو خاص خود را دارد. از یک سو یارانه به کتاب می دهیم عده ای آنرا رانت محسوب می کنند و این کار باعث می شود مقدار ناشران بالا برود و حتی از کشورهای پیشرفته هم بالاتر بزنیم. از یک طرف هم اگر یارانه نباشد با گرانی کتاب که در سالهای اخیر داشته ایم خریداران کتاب کاهش می یابند.

وی افزود: باید در رسانه های عمومی راجع مطالعه تبلیغ شود. کتابخانه ها کتابهای جدید را در مخازن اطلاعاتی خود فراهم بیاورند. الان کتابخانه های ما مملو از کتابهای قدیمی و تاریخ گذشته است که فضای کتابخانه ها را بسته است. باید خرید نشریات به روز در دستور کار دولت قرار گیرد زیرا هم به ناشر هم به نویسنده و هم به نوسازی کتابخانه ها کمک می کند. زمانی عضویت در کتابخانه ها، ارزش محسوب می شد باید این ارزش را دوباره احیاء کنیم. توصیه ای هم که به روشنفکران و قشر تحصیلکرده دارم این است که کتابهای کتابخانه های شخصی شان را که دیگر آنها را مطالعه نمی کنند به کتابخانه های عمومی هدیه دهند.